

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۴، تابستان ۱۳۹۷، ویژه فلسفه و کلام

آثار اخلاقی حفظ حرمت انسانی

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۲۵

تاریخ تأیید: ۹۷/۰۵/۲۱

سید حسن فقیهی*

چکیده

آبرو یا حرمت، یعنی ایستادگی در مقابل دنیا و وساوس آن، انسان مومن و با اراده، به برکت آبرو و حرمتی که برای خود کسب کرده در مقابل این وسوسه‌ها می‌ایستد و خود را اسیر لذات زود گذر آن نمی‌کند. در این مقاله به کمک آیات و روایات، آثار و برکات حفظ این گنج ارزشمند یعنی حرمت و آبروی انسان بیان می‌شود و در ابتدا، آثار اجتماعی و در ادامه آثار فردی حفظ آبرو مورد بررسی قرار می‌گیرد. از جمله آثار فردی حفظ آبرو، می‌توان به احساس شخصیت در هر انسانی اشاره کرد. همچنین، مدیریت و کنترل شهوت از جمله آثار فردی حفظ حرمت هستند که آبرو داری چنین برکات فردی را در پی دارد. در بخش آثار اجتماعی نیز برکاتی مثل ایجاد تعاملات و روابط اجتماعی بوجود می‌آید، علاوه بر اینکه حسن ظن در اجتماع به مردم القا می‌شود و روابط همسایگی و آداب آن نیز با امنیت و بخوبی رعایت می‌شود که این‌ها همگی از آثار اجتماعی حفظ حرمت‌ها و آبرو داری در جامعه می‌باشد. در این موارد از آیات و روایات نیز برای تأیید و برکت پژوهش استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: حرمت انسانی، حفظ، آثار اخلاقی.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مقدمه

قطعا بوجود آمدن فرهنگ عزتمندی و حفظ حرمت در جامعه منشا آثار و برکاتی است که هرکدام با ایجاد این فرهنگ شکوفا می‌شود و خود را نشان می‌دهد. این آثار نه تنها در سطح جامعه بوجود می‌آید و قابل لمس است بلکه در خود فرد نیز منشا برکات زیادی می‌باشد. در این نوشتار برخی از این آثار و برکات حفظ این حرمت انسان را که هم در فرد و هم در جامعه پدید می‌آید اشاره کرده و احادیثی را در هرزمینه برای تایید مطلب مورد بحث بیاوریم.

۱- آثار اجتماعی

حفظ حرمت و آبرو، شامل آثار و برکاتی است که این آثار، چه در زمینه‌های اجتماعی و در جامعه و چه در زمینه‌های فردی و درونی خود فرد تاثیر دارند که در این بخش به آثار آن در جامعه بصورت مختصر اشاره می‌شود.

۱-۱. ایجاد تعاملات و روابط اجتماعی

از جمله مسائلی که از آثار و برکات حفظ آبرو می‌باشد و از حفظ کرامت و عزت مردم سرچشمه می‌گیرد، برقراری روابط و مناسبات اجتماعی مستحکم می‌باشد. در جامعه اسلامی بعد از حق حیات و زندگی، داشتن عزت و آبرو از مهم ترین حقوق افراد می‌باشد (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۰۸).

مردم برای انجام و برقراری روابط اجتماعی - امور بیرون از منزل و یا درون منزل - باید از حرمت و کرامت کافی برای حضور فعال در روابط و ارتباطات اجتماعی برخوردار

باشند. از جمله آثار و برکات حفظ حرمت‌ها و آبرو در جامعه، بوجود آمدن روابط سالم و موفق می‌باشد که به عنوان نمونه به یکی از آنان اشاره می‌شود.

۱-۱-۱. برقراری ارتباطات غیر کلامی

غالبا افعال درونی انسان و هیجانات و نوع و رنگ چهره او در نحوه تفکر و رفتار او تاثیر می‌گذارد. بطور مثال بسیاری از افراد، هنگامی که سر حال تر و بانشاط هستند مایل‌اند که به دیگران کمک کنند و یا اینکه هنگامی که احساس ناراحتی می‌کنند به احتمال زیاد بداخلاقی میکنند و به نحوی دیگران را مورد انتقاد قرار می‌دهند. (آذربایجانی، ۱۳۸۲، ص ۴۸).

همیشه برقراری ارتباط با دیگران، نیازی به ارتباطات کلامی ندارد بلکه وجود حالتی که مثلا در چهره فردی می‌باشد به خود انسان و دیگران این آگاهی را می‌دهد که با این نوع چهره و منش و کردارش که از نشانه‌های آبروداری و عزتمندی اوست، همگان طلب یاری و بزرگی از او را دارند و خواستار توجه و عنایت او هستند. به این اطلاعات که از طریق رفتار و حالت چهره و... مشخص می‌شود علائم غیر کلامی گفته می‌شود و تصویری را که ما بر این داده‌ها ارائه می‌دهیم، ارتباطات غیر کلامی نامیده می‌شود. از جمله آثار و برکات حفظ آبرو در اجتماع، ایجاد و برقراری روابط اجتماعی است. یکی از این روابط و تعاملات، ایجاد روابط غیر کلامی است که در آن فرد بخاطر چهره نورانی و منشی که از ظاهر او نمایان است و بوسیله سال‌ها مردم داری و آبروداری در جامعه برای او بوجود آمده است، مورد توجه مردم در اجتماع قرار می‌گیرد.

۱-۱-۲. راههای ارتباط غیر کلامی

بر اساس یافته‌های تحقیقاتی بروی رفتار انسان‌ها، اطلاعات ناشی از رفتارهای انسان از چند طریق مشخص می‌شود که یکی از آنها حالت چهره و منش او می‌باشد. یک از سخنوران رومی در این باره می‌گوید: چهره روح تصویر است. او مقصود خود از این حرف

را انعکاس خصوصیات روحی و روانی در چهره انسان می‌داند. حرکات و ظاهر انسان می‌تواند اطلاعات بسیاری را از وضعیت روحی و روانی انسان منتقل کند مانند علائم بدنی که یکی از آنها چهره و منش رفتاری است، معمولاً کمتر از پیام‌های دیگر مهارشدنی است و بیشتر مورد توجه مردم نیز هستند. پیام‌گرایی اسلام در همین زمینه می‌فرماید: «کسی که در پی مال مشروع برود برای اینکه آبروی خود را از ذلت سوال مصون نگه دارد، خانواده خویش را اداره کند و به همسایه خود کمک کند، در پیشگاه خداوند سر بلند و روسفید است و صورتش مانند ماه می‌درخشد» (نوری، ۱۴۰۸، ق، ج ۱۳، ص ۵۵).

انسانی که بخاطر حفظ آبرو خود و خانواده و زندگی اش تلاش می‌کند و به فرموده پیامبر اسلام، نزد خداوند رو سفید خواهد بود، قطعاً در این دنیا هم از چهره معنوی و روحانی، که از اثرات و برکات حفظ عزت و آبروی خودش است برخوردار خواهد بود. متون اسلامی نه تنها این علائم غیرکلامی را بیانگر حالت و منش افراد می‌داند بلکه به صراحت آن را گویاتر و صادق‌تر از ارتباطات کلامی برمی‌شمرد که به یک مورد از این روابط غیر کلامی اشاره می‌کنیم.

حالت چهره

در سوره بقره می‌خوانیم: «(انفاق شما، مخصوصاً باید) برای نیازمندیانی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته‌اند (و توجه به آیین خدا، آنها را از وطنهای خویش آواره ساخته و شرکت در میدان جهاد، به آنها اجازه نمی‌دهد تا برای تأمین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارتي بزنند) نمی‌توانند مسافرتی کنند (و سرمایه‌ای به دست آورند) و از شدت خویشتن‌داری، افراد ناآگاه آنها را بی‌نیاز می‌پندارند اما آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند. (این است مشخصات آنها!) و هر چیز خوبی در راه خدا انفاق کنید، خداوند از آن آگاه است» (سوره بقره (۲) آیه ۲۷۳). این آیه در مورد نیازمندیانی است که احتیاج به کمک دارند اما مشاهده می‌شود که به خاطر حفظ آبرو، به

تعبیر عامیانه صورت خود را باسیلی سرخ نگه می‌دارند و اظهار نیاز نمیکنند و لذا مردم بی اطلاع، آنان را بی نیاز می‌پندارند.

۲-۱. تقویت حسن ظن

بنابر آنچه که از احادیث و روایات استنباط می‌شود می‌توان گفت از جمله وظایف اخلاقی اسلامی هر انسانی در زندگی اجتماعی خود، این است که گمان بد به دیگری نبرد و گفتار و کردار دیگران را به بدی حمل ننماید. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است» (سوره حجرات (۴۹) آیه ۱۲).

بلکه همه گفتار و اعمال فرد را به خوبی و درستی برداشت کند. هیچ گاه قدم بر تکذیب دیگری بر ندارد و حتی در صورتی که فعل بدی از او دید، او را خطاکار نیابد بلکه بخاطر گمان بد بردیگری مورد مواخذه قرار دهد، چرا که فال بد زدن و برداشت بد از کسی در وجود انسان استمرار یابد و بصورت ملکه در آیداز بین بردن آن سخت و دشوار خواهد بود (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۴).

در باب فوائد و اثرات سوءظن، سخن بسیار است. حمل کردن افعال دیگران به نیکویی و خوبی باعث بوجود آمدن حسن ظن در انسان می‌شود که در هر مرحله از گذران زندگی خود، با حسن ظن به دیگران و حتی خداوند به فضائل و مقامات والای معنوی می‌رسد (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۴).

به تعبیر دیگر از جمله برکات محافظت از آبرو و مصون بودن عزت و حرمت افراد از بی حرمتی‌ها، بوجود آمدن حسن ظن می‌باشد. این فضیلت، در صورتی در جامعه و چه بسا

در خود شخص تاثیر می‌گذارد که عزتمندی و آبرومداری در جامعه و بین مردم رواج یابد و بطور کلی آنها به این خصیصه و ویژگی که نشان دهنده اعتبار حرمت و آبرودر بین آنها است معروف و شهره گردند.

۱-۲-۱. بدگمانی و سوءظن

در مقابل این فعل اخلاقی، که به برکت حفظ آبرو و عزتمندی، در افراد جامعه و خود شخص ایجاد می‌شود و بر اثر استمرار تقویت می‌یابد، سوءظن قرار دارد. سوءظن نتیجه بدبینی و بددلی به خلق خدا و حتی خود خداوند می‌باشد یعنی برخی انسان‌ها بر اثر بدبینی‌های بسیاری که در دلشان کاشته و رشد و تقویت شده است دچار سوءظنی می‌شوند که ثمره جبن و ضعف باطن انسان می‌باشد و این ترس و ضعف، سریعاً در قوه واهمه او شکل می‌گیرد و به تدریج معتقد و دنبال رو آن می‌شود. این صفت شاید بخاطر این که باطن شخص یا جامعه‌ای را به بیراهه می‌کشد از بزرگترین ردائل اخلاقی است که خداوند هم در قرآن به صراحت از آن نهی کرده است (سوره حجرات (۴۹) آیه ۱۲).

۱-۲-۱-۱. نشانه خباثت باطن

از جمله دلائل و اسرار اینکه سوءظن به دیگران نشان دهنده خبیث بودن باطن آدمی می‌باشد این است که اولاً خداوند در قرآن کریم انسان را از این رذیله اخلاقی نهی کرده است که این خود به تنهایی می‌تواند بر خباثت باطن، در صورت بدگمانی به دیگران دلالت کند. و دوم اینکه این فعل و کردار انجام نمی‌گردد مگر بر اثر القاء و وسوسه شیطان. زیرا مسلم است که بجز خداوند متعال، هیچ کس از باطن انسان مطلع نیست و یقیناً هیچ راهی برای ورود به باطن دیگران وجود ندارد. بنابراین چطور امکان پذیر است که انسان چیزی را که به چشم خود ندیده و یا با گوش‌های خود نشنیده است در حق دیگران به بدی بپذیرد؟

پس می‌توان اینطور نتیجه گرفت که سوءظن و بدگمانی هیچ راهی برای ورود به باطن انسان ندارد، مگر از راه شیطان که لعین و رجیم است و همه ندیده‌ها و نشنیده‌ها را در باطن انسان تبدیل به بددلی و سوءظن می‌کند و حال آنکه انسان نمیداند که ابلیس فاسق تر از فاسق است و نباید به وسوسه او اعتنا کند. ورود چنین فاسقی به دل انسان می‌تواند بهترین از نشانه‌ها برای ابراز خبیث بودن نفس آدمی باشد (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۳).

همانگونه که خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید!» (سوره حجرات (۴۹) آیه ۶).

۲-۱-۲. راه‌های تضعیف بدگمانی

برای تضعیف بدگمانی و تقویت حسن ظن در دل، راه‌های مختلفی در کتب اخلاقی بیان شده است که از جمله آنها در مرحله اول، دور کردن سوءظن، از دل بوسیله انجام ضد آن یعنی حسن ظن می‌باشد به این معنا که اگر فعل بدی از کسی صادر شد اصلاً به آن فعل حساس نشده و اعتنا نکنیم و باطن را نسبت به آن شخص، بد نسازیم و طبیعتاً رفتار و کردار خود را نسبت به او تغییری ندهیم، بلکه با همان احترام و عزتی که با او رفتار می‌کردیم عمل کنیم تا بتدریج و با انجام ضد سوءظن، این رذیله اخلاقی از باطن انسان دور و زدوده شود. برای مرحله دوم می‌توان گفت بهترین قدم این است که ما به احترام و دوستی با او بیفزاییم و اگر می‌توانیم در حین انجام فرائض و عبادات خود او را دعا کنیم تا با توکل به خداوند و با یاری او و اهل بیت، شیطان را از دل خود بیرون رانده شده و بدین ترتیب بساط بددلی از روح و روان خویش برچینیم (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۵).

۲-۲-۱. راه‌های تقویت حسن ظن

در باب تقویت حسن ظن که از جمله برکات و اثرات حفظ آبرو است می‌توان اینطور گفت که مهم‌ترین و پرفایده‌ترین آنها، همان ضعیف کردن رذیله مقابل آن، یعنی

سوءظن می‌باشد. در باب فواید حسن ظن و اخباری که در فضیلت آن وارد شده است و اینکه باعث نشاط و نجات در عبادات و محبت خدا است سخن بسیار است. بهره‌برنده‌ای لازم است که گمان بد به هیچ یک از مسلمین نبرد و نه تنها گفتار آن‌ها را حمل بر بدی نکند بلکه سخن به تکذیب آن نیز بر ندارد چون اگر این صفت ملکه او شود بدگمانی از خاطر او مرتفع می‌گردد (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۵).

۳-۱. همسایگی

زندگی اجتماعی و جمعی بشر، در عین حال که محسنات و نقطه‌های مثبت و قابل تمجیدی دارد، برخی آثار منفی و زیانبار را نیز در پی دارد. از این رو لازم است قوانین و دستوراتی وضع شود تا زندگی جمعی را سر و سامان بدهد و انسان به راحتی بتواند به زندگی خویش در کنار جمع ادامه دهد. یکی از مواردی که نیاز به وجود قوانین و دستورات فقهی و اخلاقی دارد، همسایه داری است. اسلام به عنوان یک دین کامل و اجتماع ساز و تأمین کننده سعادت دنیوی و اخروی انسان، دستورات و توصیه‌های اخلاقی و حقوقی را برای همسایه داری در نظر گرفته است که با مراعات آن انسان‌ها می‌توانند در کنار هم به راحتی و آسایش زندگی کنند. از جمله آثار و برکات حفظ حرمت و آبروی افراد، احترام و تکریم همسایه است که مورد تاکید زیاد می‌باشد. بیان مطلب، مستلزم ذکر مقدماتی می‌باشد.

۱-۳-۱. حدود همسایگی

شایسته است که در ابتدای امر، راجع برکت حفظ آبرو، تعریف و حدود همسایه به عنوان کسی که تاکید زیادی در تکریم و احترام به آن شده است داشته باشیم، ضمن اینکه این مقوله را از برکات آبرومداری و فرهنگ عزتمندی در جامعه بر می‌شمرند و بسیار بر آن تاکید دارند. در احادیث و روایاتی که از معصومین نقل شده است درباره تعریف و حد همسایگی سوال می‌شود. در همین زمینه از امام صادق علیه السلام درباره حدود همسایگی

و تعریف همسایه پرسیدند که ایشان می فرماید: «چهل خانه از هر طرف» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۴۷، ص ۱۵۷).

امروزه با گسترش دنیای ماشینی، روابط عاطفی و انسانی مردم با یکدیگر بسیار ضعیف شده، به طوری که حتی در بسیاری از مواقع، همسایگان نزدیک کوچک ترین خبری از یکدیگر ندارند و حتی گاهی پس از چندین سال سکونت در یک محل، هنوز نام یکدیگر را نمی دانند. این رویه، از نظر اسلام به شدت مذمت شده و سفارش ائمه معصومین علیهم السلام در حق همسایه، گویای اهمیت وظیفه همسایه داری در جامعه است. در همین زمینه، آقا امیرالمومنین علی علیه السلام با تاکید بر اهمیت همسایه داری و برکات آن می فرمایند: «از خدا بترسید! از خدا بترسید! درباره همسایگان که همواره مورد سفارش پیامبران بوده اند. (آن حضرت) به قدری درباره آنان سفارش می کرد که گمان می بردیم، برای ایشان میراثی قرار خواهد داد» (نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۴۲۲).

۲-۳-۱. آداب همسایه داری

دین اسلام به عنوان برنامه ای جامع برای سعادت دنیا و آخرت انسان ها، تمامی نیازهای فردی و اجتماعی، جسمی و روحی او را در نظر دارد. این مکتب و تعالیم تکامل بخش آن، در خصوص همسایه داری نیز راهنمایی و توصیه هایی دارد. خداوند متعال در قرآن کریم ضمن برشمردن حقوق اسلامی مسلمانان در قبال یکدیگر، نیکی به گروه های مختلف را سفارش می کند و در خصوص همسایگان می فرماید: «و همسایه نزدیک و همسایه دور را مورد احسان خویش قرار ده» (سوره نساء (۴) آیه ۳۶۹). در تفسیر نمونه آمده است: دور و نزدیک در این آیه به نظر می رسد همان دوری و نزدیکی مکانی باشد. از آنجا که کلمه همسایه، دارای مفهوم محدودی است، تنها همسایگان نزدیک را در برمی گیرد، شاید برای توجه دادن به وسعت مفهوم آن از نظر اسلام، راهی جز این نبوده است که نامی از همسایگان دور نیز به صراحت برده شود.

همسایه آن قدر در آرامش و امنیت انسان نقش دارد که قبل از خرید منزل و در نظر گرفتن امتیازات است مکانی و ساختمانی باید نسبت به همسایه‌ها دقت نمود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «پیش از خانه خریدن، همسایه را بجوئید و پیش از سفر کردن، رفیق را بیابید» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۴۲۹).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «احترام همسایه به همسایه مثل احترام گذاشتن به مادر است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۶۶).

آثار و برکات حفظ آبروی افراد و بخصوص نزدیکان انسان، مانند همسایگان و احترام به آنها، مستلزم ایجاد امتیازاتی در قبال حسن رفتار با همسایگان می‌باشد. به عبارت دیگر حفظ حرمت و عزت همسایه و رعایت حقوق آنها علاوه بر آبروداری در جامعه آثاری را در پی دارد که به برخی از این حقوق اشاره مختصر می‌کنیم.

۱-۳-۲. حسن هم جواری

امام جعفر صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «همسایه داری نیکو، شهرها را آباد و عمرها را طولانی می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۶۷).

در این حدیث شریف آقا امام صادق علیه السلام بر همسایه داری نیکو تاکید دارند و از جمله برکات این عمل پسندیده را آباد شدن شهرها و طولانی شدن عمرها می‌دانند.

۲-۳-۱-۲. آمرزش گناهان

آمرزش گناهان یکی از نعمات و برکات احترام به همسایه است بطوریکه بخشودگی گناهان، پاداش خداوند به کسانی است که همسایه‌ها از آنان راضی باشند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر کس بمیرد، در حالی که سه همسایه داشته باشد و همگی از او راضی باشند، آمرزیده می‌شود» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۴۴۲). از سوی دیگر بی خبری از حال همسایه و بی توجهی به حقوق آنان، از جمله اموری است که در اسلام از آن به زشتی یاد شده است. پیامبر بزرگوار اسلام، کسی را که خود، سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد،

مؤمن نمی‌داند و می‌فرماید: «به من ایمان نیاروده است، کسی که با شکم سیر بخوابد، در حالی که همسایه اش گرسنه باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۷)

بنابراین وجود همسایه خوب، نعمتی ارزشمند برای انسان و همسایه خوب بودن، باعث آرزوش گناهان می‌شود چرا که دل‌ها همواره متوجه نیکی و مهربانی است.

۳-۱-۳-۲. انس و الفت اجتماعی

نتیجه رفتار نیکو در همسایگی، در ایجاد تجمع‌های پرشکوه و الفت‌های اجتماعی، مشاهده می‌شود. رفت و آمد، احوالپرسی، یاری، عیادت، انفاق و صدقه، رفع نیاز و همدردی، همه و همه از وظایفی است که بر عهده همسایه و نشانه جوانمردی و انسان دوستی می‌باشد. امام اول شیعیان اسلام آقا امیرالمومنین علی علیه السلام در حدیث به این نکته اشاره می‌کنند که رسیدگی به حال همسایه و در جریان مشکلات همسایه قرار گرفتن عین جوانمردی می‌باشد و چقدر خوب است که این فضیلت، که از برکات حفظ آبرو در جامعه است در بین مردم نهادینه شود و توجه و رعایت همین یک امر، یعنی جویا شدن حال همسایه، بسیاری از مشکلات اجتماعی مردم را حل می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۴۹).

حضرت امام باقر علیه السلام یکی از ویژگی‌های شیعه را، رعایت حق همسایگی می‌داند. ایشان از جمله خصوصیات شیعه را، رسیدگی به حال همسایگان و به خصوص همسایگاه نیازمند و تهی دست و همچنین بدهکاران و یتیم نوازی می‌دانند و معتقد هستند که شیعه و اهل تشیع در همین مواقع خود را نشان می‌دهند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۴).

۲. آثار فردی

در بسیاری از موارد، آثار و برکات حفظ حرمت انسان، فردی است و درون فرد را متحول و دچار تغییر می‌کند که برخی از این برکات را در این بخش به اختصار توضیح داده می‌شود.

۱-۲. احساس شخصیت

یکی از آثار و برکات فردی حفظ و حرمت و آبرو در افراد، احساس شخصیت و احترام می‌باشد. افرادی که آبرو و عزتشان باوجود برخی اشتباهات، باز هم حفظ شود، کم کم به نحوه‌ای اعتماد به نفس می‌رسند و بخاطر داشتن چهره‌ای مقبول در بین مردم، در درون خود احساس احترام و شخصیت می‌کنند که به برکت حفظ آبرو و عزت در آنها بوجود آمده است. عوامل شخصیتی بیانگر ویژگی‌های رفتاری و روانی و اجتماعی افراد است که مشخص کننده بین او و دیگر افراد جامعه است. البته روانشناسی امروز ایده‌های متفاوتی در مورد شخصیت انسان دارد، همانطور که مکتب اسلام شخصیت افراد را بطور بنیادی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد (ژاله فر، ۱۳۸۲، ص ۵۸) که بیان چند نکته مارا در این زمینه کمک می‌کند.

۱-۱-۲. نکاتی در تعریف شخصیت

هر شخصی یگانه و بی همتاست. زیرا هیچ فردی از نظر خلق، علایق، رفتار و دیگر ویژگی‌های شخصیتی کاملاً مشابه دیگری نیست.

همه افراد در همه موقعیت‌ها به یک شیوه عمل نمی‌کنند. چه رفتار شخص ممکن است از موقعیتی به موقعیت دیگر متفاوت باشد.

به رغم یکتا و بی‌همتا بودن فرد و یکسان نبودن رفتار در موقعیت‌های مختلف، در رفتار آدمی وجه اشتراک قابل ملاحظه‌ای وجود دارد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می‌کند و پروردگارتان کسانی را که راهشان نیکوتر است، بهتر می‌شناسد.» (اسراء (۱۷) آیه ۸۴). مفسرین در تفسیر این آیه می‌گویند که رفتار انسان برگرفته از شخصیت فکری و روحی و اخلاقی اوست و چون رفتارها ریشه در حالات و عادات دارد، باید از انگیزه‌ها و خوگرفتن‌های نابجا پرهیز کرد تا اعمال نابجا به صورت ملکه در نیاید (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۱۱۲).

۲-۱-۲. شخصیت انسان در قرآن کریم

از پرسش‌های کلیدی در بررسی شخصیت انسان، چیستی راز و رمز اوصاف دوگانه برای انسان از نگاه قرآن و معرفی انسان با دو ویژگی کاملاً متضاد از سوی قرآن است. اندیشمندان بسیاری در بیان چرایی این اوصاف متضاد بر آمده‌اند و تلاش نموده‌اند تا به بیان و تبیین فلسفه این ویژگی‌ها برآیند؛ از جمله اینکه انسان در آیات متعددی از قرآن کریم در نهایت مدح و ذم معرفی شده است و معنای آن این است که این موجود دارای استعداد رسیدن به کمال خوبی‌ها و بدی‌ها می‌باشد، انسان مسؤل کارها و رفتار خویش است (عقاد، ۱۳۷۷، ص ۱۷).

در نگاه استاد مرتضی مطهری، مدح‌ها و ستایش‌ها ناظر به انسان به علاوه ایمان و نکوهش‌ها ناظر به انسان منهای ایمان است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۷۳). علامه طباطبایی می‌نویسد: خداوندی که در مورد خود می‌فرماید انسان را نیکو آفریدم، هیچ‌گاه صفات فی حد نفسه مذموم در وجود انسان قرار نمی‌دهد و صفات انسانی آنگاه مذموم می‌شوند که انسان در اثر سوء تدبیر خود، آنها را از حالت اعتدال خارج کرده و به افراط و تفریط سوق دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۱۵).

۳-۱-۲. ویژگی‌های شخصیت در قرآن

قرآن مجید شخصیت انسان را به گونه‌ای بیان نموده است که هم متمایز از حیوانات است و هم انسان‌ها را تنها به خاطر ویژگی‌های جسمانی در یک جایگاه به شمار نمی‌آورد، بلکه انسان‌های با ویژگی‌های روحی و روانی را در یک جایگاه شخصیتی معرفی می‌نماید. در نگاه قرآن، حقیقت انسان به روح و روان وی می‌باشد و روح الهی در انسان به ودیعت نهاده شده است و به تعبیری روحی از خداوند است که انسان را آماده دریافت صفات عالی و عشق ورزیدن به حق می‌کند یا روح همان عنصر علوی است که انسان را آماده تحقق اموری والا و کسب صفاتی مقدس می‌سازد و او را برای ارتقا به مقامی بالاتر از حیوان شایسته می‌گرداند و هدف و غایت والا و خطوط اصلی زندگی و روش آن را برایش مشخص و ترسیم می‌نماید. علاوه بر این، بر گرایش او به منشأ ارزش‌ها و معارفی که حقیقت وجود انسان برای تحقق آنهاست نیز می‌افزاید (البهی الخولی، ۱۹۷۷م، ص ۳۲-۳۳).

از آنجا که ساختار روح و روان انسان با حیوانات متفاوت است و بدان سبب که حقیقت انسان به روح و روان اوست و از آن سو که قرآن شخصیت انسان را بر اساس باورها، انگیزه‌ها، اعمال و رفتار ارزشیابی می‌کند، بر همین اساس، روان‌شناسی شخصیت انسان در نگاه قرآن از اهمیت خاصی برخوردار است؛ لذا بایسته، است ویژگی‌های شخصیت را در سه حوزه «قلب، عقل و رفتار» یعنی گرایش و گروش، بینش و نگرش، روش و منش از منظر قرآن مجید، مورد تحلیل قرار گیرد.

۳-۱-۲-۱. ویژگی بینش و نگرش (عقل)

از منظر قرآن کریم، انسان متشخص نسبت خداوند، مبدا و معاد شناخت کافی را دارد و به همه آن‌ها اعتقاد و ایمان کافی را دارا می‌باشد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «گفت: پروردگار ما کسی است که به هر چیزی، آفرینشی (در خور) او عطا کرده؛ سپس راه‌نمایی نموده است» (سوره طه (۲۰) آیه ۵۰). این آیه به روشنی بیان می‌کند که خداوند به هر کس از باب شخصیت و لیاقت او از آفرینش، چیزی عطا می‌کند همانطور که به

انسان متشخص، اعتقاد و ایمان کافی و لازم را عطا کرده است که همین تشخص، که ایمان را برای او به ارمغان داشته است باعث عزتمندی و حفظ حرمت او نیز می‌شود.

۲-۳-۱-۲. ویژگی گرایش و گروه

از دیگر ابعاد شخصیت انسانی که در قرآن مجید مورد دقت قرار گرفته، ویژگی‌های عاطفی انسان است. شادی و اندوه، خشم و کظم، انگیزه و انگیزه‌نا، گریه و خنده، بیم و امید در آیات قرآنی این نکته را تأکید دارد که شخصیت انسان در انگیزش و هیجان و عاطفه بایسته مورد بررسی قرار گیرد که همین شخصیت که بوسیله هیجان یا ویژگی‌های عاطفی بدست آمده است موجبات حفظ حرمت و آبروداری او را فراهم می‌کند. مثلاً ویژگی اعتدال در مورد دستاوردها یا از دست داده‌ها از نشانه‌های انسان‌های متشخص می‌باشد. قرآن نیز در همین زمینه می‌فرماید: «تا بر آنچه از دست شما رفت تأسف نخورید، و بر آنچه به شما داده شادمانی (بی‌جا) نکنید، و خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد» (سوره حدید (۵۷) آیه ۲۳).

۳-۳-۱-۲. ویژگی روش و منش

سومین ویژگی از ابعاد شخصیت سالم در قرآن مجید که نماد و نمود ارزش‌ها، باورها، انگیزه‌ها و اندیشه و تأثیر آنهاست، ویژگی رفتاری است. در قرآن مجید بسیار بر نقش عمل صالح در رستگاری و رسیدن به حیات طیبه تأکید شده است و انسان شایسته کسی به شمار آمده است که در کنار ایمان به خداوند و انجام عمل صالح، خیرخواه و مشفق بر بندگان بوده است و آنان را به نیکی‌ها دستور می‌دهد. در قرآن کریم می‌خوانیم: «مگر کسانی که ایمان آورده و (کارهای) شایسته انجام داده‌اند و یک‌دیگر را به حق سفارش کرده و همدیگر را به شکیبایی سفارش نموده‌اند» (سوره عصر (۱۰۳) آیه ۳).

۲-۲. مدیریت

یکی دیگر از آثار و برکات فردی و درونی حرمت و کرامت، در مباحث مدیریتی مشخص شود. نقش اخلاق در مدیریت اسلامی بسیار مهم است زیرا اخلاق مدیران در مدیریت اسلامی باید مبتنی بر معیارهای اخلاقی اسلام باشد و از مهمترین الگوهای فردی که میتوان نام برد و معیارهای اخلاقی آنها را مورد بررسی قرار داد پیامبر اسلام ﷺ و امیرالمومنین علی علیه السلام می باشند. بطوری که قرآن کریم نیز زیبایی اخلاقی پیامبر نور و رحمت را می ستاید و ایشان را به عنوان برترین الگو برای انسان های اهل کمال و سعادت معرفی می کند، لذا در خصوص ارتباط اخلاق با عملکرد و منش مدیران در جامعه اسلامی حساسیت زیادی وجود دارد. آن طور که از متون و کتب اسلامی استنباط می شود دین مبین اسلام دارای یک نظام منظم و ارزشی است که برای سراسر زندگی انسان دستورالعمل ارزشی دارد. از جمله این دستورالعمل ها، زندگی انسان در قالب و سبک مدیریت اسلامی می باشد. در اسلام لازمه مدیریت و حکومت صحیح، نگاه توحید محور می باشد یعنی رعایت سمت و سوی الهی در کارها و برنامه ها است به گونه ای که رضایت خداوند متعال را جلب کند. از جمله مواردی که در مدیریت اسلامی با نگاه توحید محور و بر اساس رضایت الهی وجود دارد، مدیریت اسلامی بر اساس تکریم نیروی انسانی می باشد یعنی حفاظت از حرمت و عزت نیروی کار بر مبنای حفظ کرامت آنها. رابطه مدیر و نیروی تحت امر او در یک سیستم مدیریتی منسجم، که بر اساس احترام و تکریم نیروی کار برقرار شده است، رابطه مستحکمی است که در آن هر دو طرف بر اساس احترام متقابل با تمام توان مشغول به انجام وظیفه می باشند که همگی از آثار و برکات حفظ حرمت ها در جامعه اسلامی یا هر جامعه ارزشی محقق می شود. به بیان دیگر از جمله برکات حفظ آبرو و حرمت انسانی، رابطه سالم و مرقی است که بر اساس کرامت انسانی تحقق می یابد که با ذکر مقدماتی مسئله مورد بررسی قرار می گیرد (فخریه حمدیان پور و احمدالله یاری

بوزنجانی، سبک مدیریت مبتنی بر کرامت انسانی و معرفی الگویی برای بکارگیری آن در سازمان‌ها، معرفت، اردیبهشت ۱۳۹۲، شماره ۱۸۵، ص ۳۸).

۲-۲-۱. جایگاه مدیریت ارزشی در حفظ کرامت

از مهمترین مباحثی که در مدیریت اسلامی و ارزشی، در اداره امور یک سازمان مورد توجه است، بحث جایگاه مدیریت و رهبری می‌باشد که نقش سازنده‌ای در حکومت یا اداره آن سازمان دارد. بی تردید از جمله آثار و برکات حفظ حرمت‌ها در جامعه اسلامی، شکوفا شدن مدیران ارزشی در جامعه می‌باشد. تصمیم‌گیری‌ها، و رفتار و سلوک مدیریتی و حکومتی به شدت متأثر از تلقی‌ها و دریافت‌ها از مدیریت و حکومت است. نوع تلقی و دریافت زمام داران از خود در جایگاه مدیریتی و حکومتی، آنان را به انواع روابط و مناسبات سوق می‌دهد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۹ ص ۲۶).

در این میان، اسلام دارای نظام ارزشی عمیق، گسترده و منسجمی است که مدیریت مدیران مسلمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در روش‌های عملی آنها اثر می‌گذارد و به حرکت آنها جهت می‌دهد. مهم‌ترین نقشی که اسلام در نظریه‌ها و همچنین در روش‌های عملی مدیریت ایفا می‌کند، از طریق تأثیر ارزش‌های اسلامی بر مدیریت است که از جمله آنها می‌توان به رعایت عزت نیروی کار بر مبنای احترام او اشاره کرد که برآیند فرهنگ حفظ حرمت و آبرو در جامعه می‌باشد.

۲-۲-۲. تفاوت مدیریت ارزشی

از طریق مقایسه بین دو مدیر که یکی از آنها عمیقاً به ارزش‌های اسلامی پایبند است، می‌توان به محتوای مدیریت اسلامی پی برد. امروزه هیچ یک از مدیریت‌ها در جامعه جهانی بر ارزش‌های اسلامی مبتنی نیست. البته ممکن است بعضی از آنها که معتقد به دین‌هایی از قبیل اسلام و مسیحیت‌اند فی الجمله ارزش‌های دینی را در رفتار خود نشان دهند، اما این کار هم نوعاً بیانگر سلیقه شخصی است. (مصباح، ۱۳۸۱، ص ۲۴).

۳-۲-۲. مدیریت، کرامت و رسیدگی

لازمه اداره درست امور، داشتن ظرفیت وسیع و تحمل و حوصله فراوان و گذشت و بزرگواری است. مدیری که فاقد سعه صدر در اداره امور است، نمی‌تواند حق را پاس دارد و جز خود را تحمل کند و عدالت را برپا نماید (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۹، ص ۵۷).

در جامعه‌ای که این فرهنگ متعالی رشد کرده باشد و همه، حتی مدیران شاخصه کرامت و احترام به نیروی کار را که از آثار حفظ حرمت می‌باشد در دستور کار خود قرار دهند، چنین جامعه‌ای می‌تواند اسلامی و ارزشی مدیریت شود و حتما قابلیت پیشرفت خواهد داشت.

از جمله صفات دیگر یک مدیر موفق، سعه صدر و گوش دادن به حرف‌های همه افراد و گروه‌هاست (قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۵۱).

مروری بر آیات و روایت قرآنی بیانگر این است که این ویژگی از جمله صفات برجسته پیامبران الهی بوده است. در آیه‌ای از قرآن کریم آمده است: «پیش از آنکه به سوی ما بیایی آزار دیدیم، (هم اکنون) پس از آمدنت نیز آزار می‌بینیم! (کی این آزارها سر خواهد آمد؟) گفت: امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند، و شما را در زمین جانشین آنها سازد، و بنگرد چگونه عمل می‌کنید» (اعراف (۷) آیه ۱۲۹).

این آیه، شکوه و گله‌های بنی اسرائیل را از مشکلاتی که بعد از قیام حضرت موسی با آن دست به گریبان بودند منعکس می‌سازد و می‌گوید: آن‌ها به موسی گفتند: پیش از آنکه تو بیایی ما را آزار می‌دادند، اکنون هم که آمده‌ای باز آزارها همچنان ادامه دارد؛ پس کی گشایشی در کار پیدا می‌شود؟ گویا بنی اسرائیل مثل بسیاری از ما مردم انتظار داشتند که با قیام حضرت موسی یک شبه همه مشکلات حل شود، فرعون از بین برود، فرعونیان نابود شوند و کشور پهناور مصر با تمام ذخایرش در اختیار بنی اسرائیل قرار گیرد، همه این‌ها از طریق اعجاز، صورت گیرد و گردی هم به صورت بنی اسرائیل ننشیند؛ ولی

حضرت موسی به آنها فهماند با اینکه سرانجام پیروز خواهند شد، اما راه درازی در پیش دارند، و این پیروزی طبق سنت الهی در سایه استقامت و کوشش و تلاش به دست خواهد آمد؛ همان گونه که آیه مورد بحث می‌فرماید: موسی گفت: امید است پروردگار شما دشمنان را نابود کند و شما را جانشینان آنها در زمین قرار دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۱۲).

بر طبق این آیه، یک مدیر باید به جای تنبیه و توبیخ، نیروی خود را امیدوار کند و با او باتکریم سخن کند (قرائتی، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بخشی از فرمایشات خود خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: «پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصا به امور آنان رسیدگی نمایی، و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفت و گو کند. من از رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها شنیدم که می‌فرمود: «ملتی که حق ناتوانان را از زورمندان، بی اضطراب و بهانه‌ای بازنستاند، رستگار نخواهد شد.» پس درستی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن، و تنگ خویی و خودبزرگ بینی را از خود دور ساز تا خدا درهای رحمت خود را به روی تو بگشاید، و تو را پادشاه اطاعت ببخشد، آنچه به مردم می‌بخشی بر تو گوارا باشد، و اگر چیزی را از کسی باز می‌داری با مهربانی و پوزش خواهی همراه باشد (نهج البلاغه صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، ص ۴۴۰).

۲-۲-۴. کرامت، شرط عدالت

انصاف ورزی در حکومت و مدیریت، یعنی: نصف کردن سود و زیان میان خود و دیگران و پاس داشتن داد و حفظ حقوق دیگران همانند حفظ حقوق خود. جایگاه عدالت و

انصاف در مدیریت و اداره امور به حدی است که امام علی علیه السلام انصاف را آرایش زمام داری و اداره امور می‌دانند (آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۳۰).

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند: «سه چیز موردنیاز همه مردم است: امنیت، عدالت و حاصل خیزی (ابن شعبه، ۱۳۶۲، ص ۳۲۰).

از روایات فوق چنین استفاده می‌شود که مدیریت ارزشی و اسلامی که حاصل حفظ حرمت و آبروی افراد است، مستلزم وجود عدالت و مساوات در مدیریت و حکومت می‌باشد و شاید بتوان گفت بدون شکل نمی‌گیرد.

۲-۳. کنترل شهوات

منشأ تمام اعمال و حرکات و گفتار و خوبی‌ها و بدی‌های انسان نفس است. اگر نفس اصلاح شد، در دنیا و آخرت سعادت انسان تأمین خواهد شد. و اگر به فساد کشیده شد، منشأ بدی‌ها خواهد بود و هلاکت دنیوی و اخروی را در پی خواهد داشت. اگر در راه انسانیت قدم نهاد، می‌تواند از فرشتگان مقرب الهی نیز بالاتر رود و اگر گوهر شریف انسانیت را نادیده گرفت و در طریق حیوانیت و اطاعت شهوات قرار گرفت از حیوانات پست‌تر می‌شود بلکه به مقام شیطنت سقوط می‌کند. اسباب و وسایل پیمودن هر یک از این دو راه، در نهاد انسان نهفته است. هم عقل دارد و می‌تواند از طریق متابعت آن به کمال برسد و هم غرایز و قوای شهوانی دارد که اگر از آن‌ها به طور غیر متعارف و افراط آمیز متابعت کند و از چهارچوب شرع مقدس خارج شود به ضلالت و هلاکت خواهد رسید. حضرت علی علیه السلام فرمود: «هر کس که قلبش را با تداوم فکر و اندیشه، آباد سازد، افعالش در باطن و ظاهر خوب خواهد شد» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۴۴).

۱-۳-۲. نکوهش شهوت

افراط در شهوت، یکی از دام‌های شیطان است که انسان را در رذیلت و پستی متوقف می‌کند و از همت‌های عالی، عشق به خدا و محبتش باز می‌دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «رحمت خدا بر کسی که شهوت خود را مغلوب و هوای نفس را سرکوب کند؛ زیرا کار مشکل، بازداشتن نفس از شهوت بوده که پیوسته خواهان معصیت در هواپرستی است» (نهج البلاغه صبحی، ۱۴۱۴، صالح، ص ۲۵۱).

افراط در پاسخ‌گویی به خواسته‌های نفسانی، افتادن در دام گناه و معصیت است و گرفتاری در دام گناه، عامل هلاکت انسان است. امام علی علیه السلام فرموده است: «خواهش‌های نفسانی، دام‌های شیطان‌اند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۴۳).

۲-۳-۲. کرامت و شهوت

اگر انسان توجه کند که موجود گرانبهایی است و از علم و کمال و جمال الهی برخوردار است و مقامی بس بلند و رفیع دارد، اخلاق رذیله و ارتکاب گناه را دون شأن خویش می‌داند و طبعاً از آن‌ها بیزار خواهد بود. وقتی فهمید روح انسان، موجودیت حقیقی انسان الهی است و از عالم بالا آمده است، شهوت و خواسته‌های حیوانی در نظرش بی ارزش و تمایل و تویجه به فضائل اخلاقی در وجودش بیشتر خواهد شد. امام علی علیه السلام فرمودند: «هر کس که نفس خودش را گرامی بدارد، شهوت‌های برایش کوچک و بی ارزش خواهد شد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۳۹).

در واقع یکی از آثار و برکات فردی حفظ آبرو و کرامت و عزت در جامعه، کنترل و تسلط بر نفس سرکش انسان یعنی شهوت می‌باشد. انسان با عزت و کرامت، به خاطر حفظ حرمت و عزتی که در جامعه کسب کرده و دیگران نیز به عنوان یک فرد آبرومند از او یاد می‌کنند و برای خدشه دار نشدن این آبرو که شاید ثمره چند سال زندگی عزتمندانه

در جامعه می‌باشد برهوی نفس خود که این شخصیت او را در خطر می‌اندازد غلبه می‌کند و اجازه سرکشی به او نمی‌دهد.

۳-۳-۲. عقل و شهوت

همانطور که ذکر شد دو نیرویی که بیشترین تسلط را بر انسان دارند عقل و شهوت می‌باشد که چیره شدن هر کدام بر دیگری باعث غلبه این گرایش در انسان می‌شود. هرگاه شهوت بر عقل چیره گردد، انسان از حیوانات پست تر می‌شود و همین طور هرگاه عقل بر شهوت چیره یابد مقام آدمی از فرشتگان هم والاتر می‌شود. قرآن در همین زمینه می‌فرماید: «آیا می‌پنداری بیشتر آنان می‌شنوند یا می‌اندیشند؟ (نه) آنها جز همانند چارپایان نیستند بلکه گمراه‌ترند (زیرا حیوانات راه هدف خلقت را طبق گزینه درست می‌پیمایند و اینان نه)» (سوره فرقان (۲۵) آیه ۴۴).

۴-۳-۲. نخستین عامل گناه

از جمله نیروهای حاکم بر انسان، شهوت، خشم و خیال و وهم را می‌توان نام برد که هر کدام بر دیگری غلبه کند منشأپدیدار شدن آن گزینه می‌شود. بطور مثال اگر شهوت بر عقل چیره شود انسان در نیروهای شهوی خود به درنده‌ای بدل می‌گردد که در پایان به آلاینده‌گی و فساد جامعه منجر می‌شود. از این رو نخستین عامل پیدایش گناه، غلبه نیروهای شهوی بر عقل انسان است (عباس طاهر، ۱۳۷۷، ص ۵۹).

اگر انسان در زندگی خود مقید به حفظ آبروی خود و دیگران شود و جامعه نیز مبتنی بر فرهنگ حفظ آبرو و کرامت انسان‌ها پیش رود، از اولین آثار و نتایج این کار، غلبه و چیره شدن عقل و منطق، بر گزینه جنسی و شهوت می‌باشد که نه تنها این نیرو در انسان مغلوب می‌شود بلکه نزد افراد بسیاری، بی ارزش و پست جلوه می‌کند. در نتیجه این گزینه که یکی از ستون‌های وسواس شیطانی است به راحتی کنترل و هدایت می‌شود.

۵-۳-۲. شهوت و رستگاری

حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام می‌فرماید: «هرکس خردش بر هوا و هوس او چیره شود رستگار می‌گردد.» پس طبق فرمایش حضرت تسلط بر هوا و هوس راه دستیابی به فلاح است» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۱۱).

۶-۳-۲. راه‌های کنترل شهوت

اما برای کنترل شهوت که یکی از راه‌های شیطان برای منحرف کردن انسان‌های غافل می‌باشد، و کنترل و هدایت آن عزت و حرمت انسان‌ها را محفوظ می‌دارد، مواردی را می‌توان بر شمرد که به اختصار به برخی از آن‌ها که انسان را از بیراهه رفتن نجات می‌دهد اشاره کرد.

۱-۶-۳-۲. یاد خدا

توجه به این نکته که خداوند در همه حال ناظر اعمال ماست در کنترل نفس از گناه و حفظ آبروی افراد بسیار کارساز است. زیرا گناهان مربوط به غریزه جنسی در اکثر موارد پنهانی انجام می‌شود. توجه به آیات قرآن در این خصوص از جمله آیات زیر می‌تواند در این راه به ما کمک کند. «و به یقین ما انسان را آفریدیم و آنچه را که نفسش بدان سبب در او وسوسه می‌کند می‌دانیم و ما به او از رگ گردن و رگ‌های خونس نزدیک‌تریم» (سوره ق (۵۰) آیه ۱۶). «و ما (و فرشتگان ما) به آن محتضر از شما نزدیک‌تریم و لکن نمی‌بینید» (سوره واقعه (۵۶) آیه ۸۵). «خدا بر آنچه عمل می‌کنید گواه است» (سوره العمران (۲) آیه ۹۸). در همه این آیات به نحوی به این مطلب اشاره و تاکید دارد که خداوند به تک تک اعمال انسان احاطه کامل دارد و به بالتبع انسانی اگر بداند که اعمال رفتارش توسط خداوند مشاهده می‌شود قطعاً از انجام آن کار صرف نظر می‌کند. امیرالمومنین نیز در این مورد می‌فرماید: «از معصیت نمودن در خلوت‌ها خودداری کنید، زیرا

کسی که اکنون شاهد و ناظر شماست خودش حاکم و قاضی است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۲۳۹).

۲-۶-۳-۲. یاد مرگ و قیامت

از جمله عوامل مهمی که نقش زیادی در کنترل غریزه جنسی دارد، یاد مرگ و قیامت است. انسانی که معتقد به مرگ و جهان آخرت است و اعتقاد دارد که روزی باید در پای میزان دادگاه الهی قرار بگیرد و جواب‌گوی اعمال و کردار خود باشد، هرگز به خود اجازه نمی‌دهد نافرمانی و معصیت کند و آبروی خود را مورد تهاجم قرار دهد. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مرگ و قیامت را زیاد به خاطر آورید، چراکه یاد آن‌ها بازدارنده شهوت است... وقتی نفس شما خواست شما را درباره‌ی شهوت و مسائل جنسی به تباهی بکشانند، زیاد به یاد مرگ باشید، زیرا یاد مرگ برای موعظه و بیداری، کافی است» (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۴۲).

مرگ و قیامت را زیاد به خاطر آورید، چراکه یاد آن‌ها بازدارنده شهوت است... وقتی نفس شما خواست شما را درباره‌ی شهوت و مسائل جنسی به تباهی بکشانند، زیاد به یاد مرگ باشید، زیرا یاد مرگ برای موعظه و بیداری، کافی است. همچنین امام صادق علیه السلام در همین زمینه می‌فرماید: «یاد مرگ شهوت‌های سرکش را در درون آدمی می‌میراند» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۱۳۳).

۳-۶-۳-۲. حیا

در بسیاری از موارد، حیا حافظ آبرو و عزت انسان هاست. یاد خدا بودن و گناه نکردن در محضر او، حیا از خداوند است که بدان اشاره شد. حیا از امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، ملائکه و دیگرانی که بر گناه ما آگاه می‌شوند ولی برای ما محسوس نیستند هم در اینجا مورد بحث ما نیست. امیرالمومنین علی علیه السلام در گفتاری می‌فرماید: «اوج حیا این است که آدمی از خودش حیا کند. در واقع نیز به همین

شکل می‌باشد و انسان باید حیا را درون خودش و نسبت به خودش شکوفا کند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۳۶).

بعضی اوقات کاربه جایی می‌رسد که زشتی عمل در میان مردم و در نزد خود ما از بین می‌رود و آن وقت حتی در حضور محسوسات نیز عبایی از گناه نخواهیم داشت. باید بسیار مراقب بود چون در این صورت راه بازگشت و توبه بسیار دشوار خواهد شد زیرا طبع ما به گناه عادت زیادی خواهد کرد و اصلاً آن را گناه نخواهد دانست. هرگاه عمل زشتی از کسی سر زد و او سرزنش شده و از کار زشتش، اظهار ناراحتی و تأسف گردید، فرد به قبیح عمل خود آگاه شده و از انجام دوباره‌ی آن در حضور دیگران احساس شرمندگی می‌نماید؛ در نتیجه احتمال تکرار آن عمل کم می‌شود. امام صادق در همین زمینه عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند: «ایمان ندارد کسی که حیا ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۶).

عزت یک موهبت الهی است که هیچ کس حق ندارد آنرا مخدوش کند. خداوند در همه امور مومن، به اختیار داده تا کارها را به تشخیص خود انجام دهد اما برخی امور را خودش عهده دار شده است که یکی از آنها عزت و آبرو مومن است.

حفظ آبرو و کرامت افراد و ایجاد فضایی که فرد در آن احساس امنیت درونی کند، عامل مهمی برای کنترل شهوت و غلبه بر آن به حساب می‌آید. کسانی که برای خودشان احترام قائل هستند و ارزش و اعتبار خود را برتر از مسایل دنیوی می‌دانند، شهوات را خوار می‌کنند. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می‌فرمایند: «هرکس شخصیتش برایش کریم و بزرگ باشد شهواتش را خوار می‌نماید». (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، ص ۵۵۵).

کسانی که از آبرو و شخصیت ممتازی در میان خانه و جامعه برخوردار هستند، اگر بدانند که پیروی از شهوات به‌ویژه شهوت و لذت جنسی و ارضای آن‌ها به صورت نادرست، با آبروریزی و رسوایی همراه است، از انجام کارهایی که به شخصیتشان ضربه بزند خودداری می‌کنند. از این بیان به خوبی استفاده می‌شود که کوچک و ذلیل کردن

شهوت و کنترل و هدایت آن، یکی از آثار حفظ حریم و عزت می‌باشد و باعث می‌شود فرد با اطلاع از آبرویی و عزتی که برخوردار است، خود مانع این وسوس شیطانی و شهوت‌های نفسانی شود.



نتیجه‌گیری

مسأله حفظ آبرو یا حرمت انسانی، از جمله مواردی است که در آیات و روایات زیادی به آن تاکید شده و آنرا انگیزه افراد، در عزتمندی میداند. همچنین دیدیم که حفظ آبرو و حرمت انسان و بخصوص مسلمان، هم در زمینه فردی و هم در زمینه اجتماعی آثار و برکات زیادی را در بردارد. بیان شد که این عوامل و تاکید بر بوجود آمدن چنین آثاری، انسان را در آبرو داری در فرد و جامعه ترغیب می‌کند و در چنین مواقعی است که دلیل تاکید آیات و روایات بر حفظ حرمت انسان‌ها و آبروداری، بیشتر نمایان می‌شود.



فهرست منابع

۱. نهج البلاغه، (۱۴۱۴ق) مترجم: صبحی صالح، قم، موسسه دارالهجره.
۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی، چ دوم.
۳. -----، (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۸۳)، تحف العقول، قم، موسسه نشر اسلامی، چ دوم.
۵. البهی الخول، (۱۴۲۰ق)، آدم فلسفه تقویم الانسان و خلافه، طنطا، مصر، دارالبشیر للثقافه و العلوم.
۶. بحرانی، سیدهاشم، (۱۴۱۶ق) البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
۷. حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۱۶ق)، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البیت، چ سوم.
۸. دلشادتهرانی، مصطفی، (۱۳۸۹)، دلالت دولت: آیین نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر، تهران، دریا.
۹. ژاله فر، تقی، (۱۳۸۲)، مبانی روانشناسی از دیدگاه مکتب اسلام، زنجان، انتشارات نیکان کتاب.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چ ۵.
۱۱. عباس، طاهر، (۱۳۷۷)، گناه از نگاه قرآن، حمیدرضا آذیر، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۲. عباس، عقاده، (بی تا)، الانسان فی القرآن الکریم، بیروت، مکتبه العربیه.
۱۳. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، چ یازدهم.
۱۴. -----، (۱۳۸۷)، ۳۰۰ نکته در مدیریت اسلامی، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ چهارم.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۵)، میزان الحکمه، قم، دار الحدیث.
۱۸. مصباح، محمدتقی، (۱۳۸۱)، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، نگارش محمدرضا متقی فر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چ دوم.
۱۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷)، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، چ هشتم.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۵)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامیه.
۲۱. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۷)، اربعین حدیث، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ سوم.
۲۲. نراقی، ملا احمد، (۱۳۷۸)، معراج السعاده، قم، موسسه هجرت، چ ششم.
۲۳. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، موسسه آل البیت ع.